

برجام و تأثیر آن بر کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران

غلامرضا کریمی^۱ - سید علی منوری^۲

سید سعید میرترابی^۳ - پرویز شریفی^۴

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۳۰

چکیده

این مقاله عوامل موثر بر چگونگی کنش‌های اقتصادی عربستان را در حین و بعد از مذاکرات برجام در خلال سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۳ بر اساس نظریه بازی‌های اقتصادی «توماس شیلینگ» و با استفاده از روش اسنادی بررسی می‌کند و فرضیه آن است که روند مذاکرات و اجرای برجام با تغییر در نقش و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران به چالش مهم روابط ایران و عربستان بوده، تبدیل شده است. مهم‌ترین یافته این مقاله آن است که عربستان سعودی به لحاظ ترس از بازخوردهای مذاکرات هسته‌ای و در نتیجه اجرایی شدن مفاد توافقنامه برجام که احتمالاً امکان تغییر جایگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی خواهد داشت، موجب شده تا عربستان به عنوان یک کنش‌گر نفتی قدرتمند در اوپک، در خلال سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۳ با روند افزایشی تولید فراتر از نیاز بازار جهانی، میزان تولید نه میلیون و یکصد و چهل هزار بشکه‌ای ژوئن ۲۰۱۳ را به میزان ده میلیون و هفتصد و بیست هزار بشکه‌ای در نوامبر ۲۰۱۶ با هدف مقابله جدی با ایران برساند، به نحوی که تصمیم عربستان در افزایش تولید نفت بیش از نیاز بازار جهانی، چالش‌هایی در طرح‌ها و برنامه‌های ایران به خصوص بازتاب‌های مثبت ناشی از توافقنامه برجام را ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: برجام، کنش اقتصادی، عربستان، اوپک، سلاح نفت

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی
dr.karimi.khu@gmail.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

s.a.monavari@kh.ac.ir

۳. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

saeedmirtorabi@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

parvizsharifi44@gmail.com

مقدمه

ایران و عربستان دو رقیب دیرین منطقه خلیج فارس محسوب شده که هرکدام از این دو کشور در راستای حفظ و یا افزایش توازن منطقه‌ای کنش‌هایی از خود نشان می‌دهند. واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد مؤلفه‌های مهمی که می‌تواند در افزایش نفوذ و قدرت این دو کشور در منطقه مؤثر باشد بیشتر معطوف به حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، استراتژیکی و ایدئولوژی است. از همه مهم‌تر، ایران و عربستان بیش از چندین دهه است که در تقابل ایدئولوژیک قرار گرفته، به نحوی که هر کدام سعی دارند خود را رهبر جهان اسلام تلقی کرده و از طریق حفظ، افزایش و نمایش قدرت به نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک خود در کشورهای هدف بيفزایند. با توجه به نقش ثروت و پول در پیشبرد اهداف کشورها در عرصه بین‌الملل، طبیعی به نظر می‌رسد کشورهای مذکور در دست‌یابی به اهداف خود، نیازمند سرمایه و توانمندی‌های عظیم مالی خواهند بود تا بتوانند از برخی گروه‌ها، جنبش‌ها و یا احزاب سازمان‌یافته که در طول سیاست‌های آنها قرار دارند حمایت کنند. جمهوری اسلامی ایران از آنجایی که بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی و بر اساس سیاست تجدیدنظرطلبی در عرصه بین‌المللی روابط خود را تنظیم و در قالب سیاست خارجی به عرصه ظهور می‌رساند. بنابراین به صورت یک امر بدیهی در تضاد با سیاست رقاب‌ منطقه‌ای و همچنین کشورهای فرامنطقه‌ای عمل کرده که این تضاد باعث شد تا کشورهای مذکور در راستای منافع موردنظر به ایران هراسی در منطقه دامن زده و افزایش رقابت‌های منطقه‌ای، به خصوص رقابت میان ایران و عربستان شود. واضح است سیاست تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی در راستای تلاش این کشور در جهت دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای موجب گشته بستر معارضة بیش از یک دهه بین ایران و غرب را فراهم آورد. از طرفی کشورهای غربی و سازمان ملل به دلایل فعالیت‌های هسته‌ای، ایران را مورد تحریم قرار دادند. این امر موجب شد تا عربستان از این فرصت به وجود آمده به نفع پیشبرد سیاست‌های موردنظر در منطقه بهره‌برداری نماید. لذا دولت روحانی در مسیر پیدا کردن راه حلی منطقی بر پایه دیپلماسی برد-برد در سال ۲۰۱۴ تصمیم به مذاکره جدی با طرف‌های مذاکره‌کننده که به کشورهای ۵+۱ معروف هستند گرفت که ماحصل این مذاکرات منجر به «توافق‌نامه برجام» گردید. توافق‌نامه‌ای که در فرایند آغازین مذاکرات تا دست‌یابی طرفین به «توافق‌نامه برجام» بازتاب‌هایی برای عربستان و در نتیجه واکنش‌هایی برای کشور مذکور در پی داشته، لذا این مقاله با هدف دست‌یابی به دلایل این واکنش‌ها تلاش می‌کند با به‌کارگیری روش اسنادی مبتنی بر تکنیک‌های

فیش‌برداری و استفاده از نظریه بازی‌های اقتصادی «توماس شیلینگ» به کنکاش و تحقیق در چگونگی مواضع و عملکرد عربستان، به این پرسش پاسخ دهد که کنش‌ها و رویکردهای اقتصادی آن کشور در حین و بعد از مذاکرات برجام در برابر ایران چگونه بوده است؟ فرضیه این مقاله مبتنی بر روند مذاکرات و اجرای برجام با تغییر در نقش و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، روابط عربستان و ایران را در سطح منطقه‌ای به چالش کشیده است.

پیشینه تحقیق

موضوع بررسی تأثیر برجام بر کنش اقتصادی عربستان در برابر ایران از جمله موضوعات جدیدی است که تاکنون بر روی آن کار پژوهشی صورت نگرفته، ضمن اینکه بررسی پیشینه تحقیق در این رابطه نیز نبود تحقیق و یا پژوهشی خاص با این عنوان را بیان می‌دارد. بنابراین آنچه در این مقاله به عنوان آمار و اسناد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برگرفته از تحلیل‌های به عمل آمده توسط صاحب نظران، مقالات منتشره در سایت‌ها، اندیشه‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته در این رابطه است که با تحلیل کیفی محتوای متون موجود و همچنین مقایسه آمار موجود از تولید نفت عربستان به عنوان یک کالای با مزیت نسبی در اقتصاد مبتنی بر نفت عربستان به دست آمده است.

چارچوب نظری

مبنای چهارچوب نظری این مقاله استفاده از نظریه بازی‌های اقتصادی «توماس شیلینگ» خواهد بود. شیلینگ در تفسیر نظریه اقتصادی خود که بیشتر مربوط به گفتگو و چانه‌زنی بر سر منافع است «تمرکز خود را بر پدیده‌ای قرار داده که «دشمنی محدود» خوانده می‌شود. این مفهوم حکایت از آن دارد که طی آن بازیگران دو سوی یک منازعه برخلاف مخالفت راهبردی که با هم دارند قائل به نوعی حداقل منافع مشترک، ولو در حد پرهیز از فنای دوجانبه هستند. حتی وقتی طرف‌های درگیری بنا به دلایلی نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط مستقیم یا آشکار داشته باشند باز هم می‌توانند با ثابت ماندن بر روی نکات برجسته مورد علاقه مشترک حرکت‌های خویش را با هم هماهنگ کنند. مفهوم محوری که در اکثر کتاب‌ها و مقاله‌های شیلینگ دیده می‌شود تأکید بر وجود دو عنصر «تضاد» و «هم‌سویی» منافع به طور هم‌زمان در یک بازی است (بزرگی و طیب، ۱۳۷۲: ۷۹۸). در بررسی رقابت‌های اقتصادی یک بازی با حاصل جمع جبری صفر یا یک بازی با حاصل جمع جبری غیر صفر، تحلیلگران نظریه بازی‌ها از جمله توماس شیلینگ معتقدند مدل دوم بازی مبتنی بر بازی با

حاصل جمع جبری غیرصفر عقلانی‌تر و مرجح خواهد بود. زیرا در صورت پرهیز از لطمات ناشی از رقابت افراط‌آمیز، دو طرف بازی دست‌کم در کوتاه‌مدت می‌توانند سود ببرند (بزرگی و طیب، ۱۳۷۲: ۷۹۸). شلینگ معتقد است طرف‌های یک فرآیند چانه‌زنی تنها تحت انگیزش نیاز به حصول توافق قرار ندارند. منافع و اگر جستجوی هم‌گرایی را پیچیده می‌سازد. ولی چنانچه در نهایت توافق حاصل شد؛ نیروهای مؤید قطع مذاکرات بوده‌اند. به علاوه هرچند در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که هماهنگی تلویحی را نمی‌توان در مورد چانه‌زنی صریح که در ارتباط‌گیری امری معمول است صادق دانست، این نوع هماهنگی حتی تحت شرایط چانه‌زنی صریح نیز وجود دارد. شلینگ به عنوان مثال از تمایل به میانه یا حد واسط را گرفتن در هنگام چانه‌زنی برسر قیمت‌ها و تمایل مکرر به پیروی از سابقه قابل توجهی که در یک مصالحه قبلی تجسم یافته است یاد می‌کند (بزرگی و طیب، ۱۳۷۲: ۸۰۱). در این مقاله به تحلیل چگونگی این نوع رفتارها و کنش‌ها در قالب نظریه توماس شلینگ می‌پردازیم.

متغیرهای موثر بر روابط ایران و عربستان

واقعیت این است متغیرهای مختلفی از جمله، مسائل ایدئولوژیکی، امنیتی و سیاسی بر روابط عربستان و ایران در سیر تحولات تاریخی منطقه تأثیرگذار بوده‌اند. انقلاب اسلامی ایران، واشنگتن را نیز به وحشت انداخت از اینکه موج آن سراسر خلیج فارس را در برگیرد. لذا امریکایی‌ها تصمیم گرفتند یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه جزیره عربستان به وجود آورند تا مطمئن شوند انقلاب اسلامی ایران به خارج از مرزهای آن کشور سرایت نخواهد کرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۴۴). از جهتی دیگر انقلاب اسلامی ایران توازن قدرت و ترتیبات امنیت منطقه‌ای را بر هم زد و در کیفیت روابط دو قدرت در خلیج فارس تغییراتی ایجاد کرد (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۰۲). همچنین انقلاب اسلامی ایران دارای پیامدهایی از جمله: فروپاشی نظام امنیتی خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۷۰ و به تبع آن فروپاشی ایجاد «شورای همکاری خلیج فارس» در سال ۱۹۸۱ بود (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۰۳). اما تحت هر شرایطی انقلاب اسلامی ایران همانند هر انقلاب دیگر دارای اثرات منطقه و فرامنطقه‌ای خاص خود بود «به‌گونه‌ای که ایران دارای نفوذ طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در اطراف مرزهای خود شد و اینجاست که از زمان بروز انقلاب اسلامی ایران و در جهت جلوگیری از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران، این مخالفت به‌طور سنتی در منطقه خلیج

فارس، جهان عرب و جهان اسلام متمرکز گردید (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۵۶). یکی از جلوه‌های مخالفت عربستان با انقلاب اسلامی ایران «مخالفت وهابیت با مذهب شیعه بود که با سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی از سال ۱۹۸۰ مبنی بر مهار ایران آغاز شد. ریاض و حاکمان سنی آن چالش امام خمینی علیه آل سعود را در دهه بعدی تهاجم به مذهب اهل تسنن قلمداد می‌کردند. از این رو، گسترش احساسات ضد شیعی و تقویت هویت سنی در منطقه برای آل سعود ضرورت بسیاری پیدا کرد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). از جنبه دیگر برخی تحلیلگران اولین نگرانی دولت عربستان نسبت به ایران را: «شعارهای انقلابی ایران و الهام‌بخشی گروه‌های شورشی در منطقه ارزیابی کرده و معتقدند که این امر می‌تواند به ثبات و امنیت کشورهای عربی لطمه وارد سازد و بر همین اساس ایران را یک کشور تهدیدگر محسوب کردند» (Rizwan, 2014). عربستان از یک منظر دیگر: «نگران تأمین مالی گروه‌های شورشی و شبه نظامیان توسط ایران بوده و هستند زیرا تصور آنها بر این است که این کار می‌تواند به افزایش دایره نفوذ ایران در منطقه کمک کند که در صورت تحقق این جریان زمینه‌های دخالت ایران در کشورهای عربی را فراهم می‌کند» (Rizwan, 2014). این در حالیست که ایران پس از انقلاب به شدت دنبال یک سیاست ضدآمریکایی در منطقه خاورمیانه است و بنا بر همین اصل، ایران عربستان سعودی را به عنوان عامل ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس قلمداد کرده است (Rizwan, 2014). از آنجایی که کشورهای منطقه خاورمیانه به خصوص عربستان سعودی از نفوذ رو به گسترش انقلاب ایران در هراس است لذا مهار انقلاب ایران برای کشورهای منطقه بسیار مهم بود تا جایی که عربستان سعودی از طریق همکاری نزدیک با علمای وهابی استراتژی مهار مذهب شیعه را دنبال کرده تا ضمن بیان تفاوت مذهب شیعه از مذهب تسنن، مانع از تأثیر ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران در منطقه شوند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۳). بنابراین شیعه ستیزی یکی از موضوعات مهمی بود که به‌طور کلی جامعیت سنی حاکم در جهان عرب با اغراق بیش از اندازه در قالب یک کلید واژه به نام «هلال شیعی» به رهبری ایران از آن نام می‌بردند (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۱). از نظر سعود الفیصل نگرانی عربستانی‌ها از هلال شیعی به رهبری ایران مبتنی بر ماهیت ایدئولوژیکی انقلاب ایران، بسیج توده‌های شیعی جهان عرب، وفاداری آن‌ها به ایران و در نتیجه بهره‌برداری فرصت طلبانه و گسترش خودخواهانه ایران از پتانسیل‌های جهان عرب است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۱۰). همان‌گونه که «نظریه پخش» تأثیر رابطه انقلاب اسلامی بر کشور عربستان را مورد واکاوی و تحقیق قرار داده است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۲ - ۱۱۱) و برخی‌ها نیز انقلاب ایران را یک انقلاب

سرنوشت‌ساز در تاریخ تلقی می‌کنند از آن جهت که علاوه بر ترس کشورهای منطقه از انقلاب مذکور، امریکایی‌ها نیز از این جریان انقلابی در سال ۱۹۷۹ به شدت غافلگیر شده زیرا آنها نه تنها یکی از متحدان خود را از دست می‌دهند بلکه از ایده تحرک و تأثیر انقلاب ایران در عربستان سعودی و لبنان در کنار مرزهای اسرائیل احساس خطر می‌کردند» (Schwanitz, 2003). از طرفی با توجه به این خطرات، کشورهای عضو شورای همکاری به رهبری عربستان توافق کرده‌اند که باید راه پیروزی را بر هر خیزش عمومی در منطقه خلیج فارس بست (محمدیان، ۱۳۹۵: ۵۰). با این اوصاف به نظر می‌رسد روابط ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر منطقه‌ای با توجه به متغیرهایی همچون مسائل ایدئولوژیکی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی به منظور حفظ و یا تغییر موازنه همواره در حال تغییر و تحول بوده که فرایند مذاکرات و اجرای برجام و تأثیر آن بر رابطه این دو کشور مزید بر تحولات حاکم بر روابط بین این دو کشور است.

رابطه برجام و تأثیر آن بر کنش اقتصادی عربستان علیه ایران

برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) بین ایران و ۵+۱ و رسیدن به توافق برای اجرای این برنامه، اثرات مهمی بر رفتارهای سیاسی و اقتصادی و دیپلماتیکی دو کشور ایران و عربستان گذاشت. از دیدگاه عربستان توافق هسته‌ای به جای اینکه مانع ظهور ایران به عنوان یک قدرت هسته‌ای شود آن را تقویت کرده، ضمن اینکه از منظر برخی تحلیلگران «برجام جنگ‌های نیابتی را در منطقه تشدید کرده است».^۱ مطلب فوق نشان می‌دهد عربستان برای مقابله و جلوگیری از احتمال تغییر جایگاه ایران در منطقه، فعالانه در تصمیم‌گیری‌های اوپیک وارد شده تا به این صورت بتواند به نتایج دلخواه برسد بنابراین در این راستا مطالعات نشان می‌دهد عربستان به عنوان یک کنش‌گر نفتی اقدامات مختلف و متفاوتی از جمله اقدام به افزایش تولید نفت در برابر ایران انجام داده است که در راستای تحلیل بهتر موضوع، به نمونه‌هایی از این دست کنش‌ها در قالب سناریوهای زیر اشاره می‌شود.

الف- سناریوی رفتار انفعالی عربستان و نقش آن در کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۴

کارشناسان حوزه‌های نفتی روند کاهش قیمت نفت به کمتر از ۷۰ دلار در سال ۲۰۱۴ را دست‌مایه طرح این سؤال کردند که چرا عربستان در برابر این کاهش قیمت، نقش انفعالی به خود گرفته است؟ تحلیل‌گران نفتی بر اساس آنالیزهای به عمل آورده «رفتار انفعالی» عربستان را مؤثر در

۱. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۹/۱۷، <http://www.washingtoninstitute.org>.

کاهش قیمت نفت ارزیابی کردند. ارائه‌دهندگان این سناریو معتقدند روند فزاینده نامتعارف نفت امریکای شمالی در شرایط قیمت‌های بالای نفت امکان‌پذیر شده و این امر موجب افزایش عرضه نسبت به تقاضا در بازار جهانی و کاهش واردات ایالات متحده و در نتیجه کاهش قیمت نفت شده است. بنابراین اقدام عربستان در تنظیم بازار و حفظ قیمت‌ها محرکی برای توسعه بیشتر نفت نامتعارف و عدم توان بیشتر عرضه و تقاضا و همچنین کاهش اهمیت استراتژیک عرضه اوپک شده است.

ب- سناریوی مقابله با دولت اوباما و حفظ اهمیت استراتژیک نفت خود

سناریوپردازان معتقدند علاوه بر مشکل مذکور در سناریو اول، عربستان به دلیل نادیده گرفته شدن منافع آن کشور در سوریه و عدم موافقت ایالات متحده آمریکا در تغییر دولت بشار اسد، عدم تجهیز کامل مخالفان دولت اسد و از همه مهم‌تر به دلیل روند تنش‌زدایی هسته‌ای با ایران و عدم توجه به دغدغه‌های امنیتی عربستان و نیز ترس از معامله سیاسی غرب با تهران در مورد حفظ دولت اسد و همکاری در سرنگونی داعش با ایالات متحده در تعارض رفتاری است. به باور این گروه نتیجه این تعارض انفعال عربستان در کنترل کاهش قیمت نفت است.

ج- سناریوی تبانی با دولت اوباما برای محدودسازی قدرت روسیه و ایران

طرفداران این سناریو معتقدند کاهش قیمت نفت کوتاه‌مدت بوده و انفعال عربستان برای کنترل رفتار روسیه در مورد اوکراین و حمایت از دولت سوریه است. طرفداران این سناریو بر این نظرند که کاهش قیمت نفت به این دلیل کوتاه‌مدت خواهد بود که ایالات متحده و عربستان هر دو نیازمند قیمت بالای نفتی هستند. اولی برای تداوم توسعه منابع نامتعارف داخلی و دومی برای طرح‌های توسعه نفتی و اجتماعی و برای تأمین نیازمندی‌های داخلی و جلوگیری از سرایت تحولات بهار عربی (بیداری اسلامی) به خاک خود است (صفوی، ۱۳۹۴: ۷۹-۷۶). در ارتباط با اینکه تا چه حد در پشت پرده کاهش قیمت نفت سناریوی خاصی وجود دارد «اندیشکده کیتو در یادداشت عضو ارشد این مؤسسه به موضوع کاهش شدید قیمت نفت و پیامدهای مخرب آن بر سه کشور ایران، روسیه و ونزوئلا پرداخته است. وی بر این باور است سقوط بهای نفت و شرایط کنونی حاکم بر بازارهای جهانی نفت سبب بروز مشکلات مالی و اقتصادی برای دو کشور ایران و روسیه شده است و تأکید می‌کند مقامات امریکایی و غرب امیدوارند این مشکلات، ایران و

روسیه را وادار سازد تا مواضع خود را تغییر داده و امتیازاتی را به غرب بدهند.^۱ اما افزون بر این باید دید که چه چیزی سرمنشأ اقدام عربستان در کاهش قیمت نفت بوده است؟ «در پی کاهش شدید قیمت نفت در ماه‌های انتهایی سال ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵، بسیاری از کشورهای عضو و غیر عضو اوپک که به دلیل افت شدید قیمت نفت دچار کاهش بی‌سابقه درآمدهای نفتی شده بودند، عربستان را متهم کردند که با افزایش بی‌سابقه تولیدات نفتی خود، در پی کاهش قیمت و ضربه به تولیدکنندگان نفتی است. دولت روحانی نیز در همین رابطه در ژانویه ۲۰۰۱ میلادی عربستان سعودی و کویت را متهمان اصلی افت قیمت نفت معرفی کرد و این دو کشور را تهدید به متضرر شدن از این تصمیم خود کرد.^۲ اما در پاسخ به این اتهامات علی النعیمی وزیر نفت عربستان سعودی می‌گوید: «در مورد سیاست نفت عربستان سعودی حدس و گمان‌های بسیاری بر پایه اطلاعات نادرست زده شد. ما به دنبال سیاسی‌سازی مسئله نفت نیستیم، مسئله برای تجاری‌ست و میزان عرضه و تقاضا است» سهیل بن محمد المزروعی وزیر نفت امارات متحده عربی نیز در این باره معتقد است: «هیچ توطئه‌چینی وجود نداشته و هیچ کشوری هدف قرار نگرفته است. بازار این‌گونه است و بهای نفت در آن بالا و پایین می‌رود.» اما ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در این رابطه بر این باور است که: «همه ما شاهد پایین آمدن بهای نفت هستیم و گفت‌وگوهای بسیاری در این خصوص به عمل آمده که آیا پایین آمدن بهای نفت می‌توانسته نتیجه توافق بین عربستان سعودی و آمریکا برای مجازات ایران و تحت تأثیر قرار دادن اقتصادهای روسیه و ونزوئلا باشد؟ اما آیا پایین آمدن بهای نفت بخشی از برنامه آمریکا و عربستان سعودی برای آسیب اقتصادی به روسیه، ایران و ونزوئلا بوده است؟» حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در این خصوص معتقد است: «دلیل اصلی کاهش بهای نفت خام توطئه سیاسی کشورهای خاص علیه منافع منطقه و جهان اسلام است.» علی النعیمی وزیر نفت عربستان سعودی خلاف این مسئله را ادعا می‌کند؛ النعیمی مدام اتهامات در خصوص دست داشتن عربستان سعودی در توطئه‌چینی برای پایین آوردن بهای نفت را رد کرده است. به عبارت دیگر پس چرا عربستان سعودی به طور ناگهانی راهبردی را که امکان فروش نفت به قیمتی دو برابر بهای کنونی را فراهم می‌آورد نادیده گرفت؟ چرا نعیمی باید تا این اندازه مشتاق کاهش بهای نفت و سقوط آزاد بازارهای سهام خاورمیانه باشد، کسری بودجه عربستان سعودی را به بالاترین میزان در تاریخ این کشور یعنی پنج

۱. گروه اقتصادی، تاریخ انتشار ۹۵/۸/۱۱، <http://www.eshraf.ir>

۲. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۹۴/۱/۱۷، www.fardanews.com

درصد تولید ناخالص داخلی افزایش دهد و بی‌ثباتی مالی گسترده ایجاد کند؟ لری الیوت روزنامه‌نگار گاردین بر این باور است که امریکا و عربستان سعودی در توطئه برای کاهش بهای نفت خام دست دارند. وی در این زمینه به دیدار جان کری وزیر امور خارجه امریکا با ملک عبدالله پادشاه عربستان در ماه سپتامبر اشاره کرد که مقامات دو کشور در این دیدار توافق کردند برای آسیب رساندن به ایران و روسیه تولیدات نفت خام را افزایش دهند. الیوت در مقاله خود که تحت عنوان «امریکا از نفت علیه روسیه و ایران استفاده می‌کند» نوشت: «واشنگتن با کمک متحد سعودی خود سعی دارد با اشباع بازار که از پیش‌بهای نفت خام در آن کاهش یافته بود، بهای نفت را بیش از پیش پایین آورد. درحالی که دولت‌های ایران و روسیه به شدت به صادرات نفت وابسته هستند، به فرض که پایین آوردن بهای نفت به تعامل ساده‌تر با این دو کشور کمک کند. جان کری در ماه سپتامبر با ملک عبدالله توافق کرده است تا عربستان نفت را به قیمتی پایین‌تر از بهای بازار به فروش رساند. چنین توافقی می‌تواند توضیحی منطقی باشد برای کاهش بهای نفت آن هم در زمانی که با توجه به ناآرامی‌ها در عراق و سوریه بهای نفت می‌بایست افزایش می‌یافت. عربستان سعودی در میانه دهه ۱۹۸۰ نیز اقدامی مشابه صورت داده بود. در آن زمان، انگیزه عربستان سعودی در جغرافیای سیاسی برای پایین آوردن بهای نفت خام به کمتر از ده دلار برای هر بشکه، بی‌ثبات کردن رژیم صدام حسین بود. به گفته کارشناسان منطقه خاورمیانه، این بار انگیزه عربستان تحت فشار گذاشتن ایران و وادار کردن مسکو به خودداری از حمایت از بشار اسد در سوریه است». اما تئوری الیوت در این زمینه تا چه اندازه صحیح است؟ ولادیمیر پوتین در این باره چندان مطمئن نیست، برخلاف مورالس، مادورو و روحانی، رئیس‌جمهور روسیه از مقصر دانستن عربستان سعودی و امریکا در کاهش بهای نفت خودداری کرده است. ایتارتاس در مقاله‌ای درباره عوامل احتمالی کاهش بهای نفت به نقل از پوتین نوشت: «صحبت‌های زیادی در این باره شده است. برخی می‌گویند توطئه‌ای از سوی عربستان سعودی و امریکا بوده است تا ایران را مجازات کنند و اقتصاد روسیه را تحت فشار گذارند و بر ونزوئلا اعمال نفوذ داشته باشند. به هر صورت این واقعیت که عربستان سعودی در بازار اعمال نفوذ کرده است تغییری نمی‌کند. مسئله قابل توجه انگیزه‌های احتمالی عربستان برای چنین اعمال نفوذی است. توماس فریدمن در روزنامه نیویورک تایمز در مطلبی ادعا می‌کند: «نمی‌دانم این تنها تصورات من است یا جنگ جهانی نفت در حال وقوع است که در آن امریکا و عربستان سعودی در یک جبهه و روسیه و

ایران در جبهه مقابل قرار دارند؟ او می‌گوید: «در حالی که عوامل گوناگونی در اقتصاد جهانی در کاهش بهای نفت خام مؤثر بوده، هیچ شکی وجود ندارد که هماهنگی واشنگتن با اوپک و عربستان سعودی در زمینه افزایش تولیدات به کاهش هرچه بیشتر بهای نفت منجر شده است هیچ شکی وجود ندارد که عربستان و آمریکا در زمینه کاهش بهای نفت خام با یکدیگر هماهنگ بوده‌اند».^۱ با توجه به تحلیل آقای مایک ویتی اینکه در بازار جهانی کشورها برای دستیابی به اهداف و مقاصد خود از نفت به عنوان یک سلاح استفاده کنند بعید به نظر نمی‌رسد.

عربستان و استفاده از سلاح نفت در جهت بایکوت جمهوری اسلامی ایران

اکنون آیا واقعا دلایلی وجود دارد که عربستان در تقابل با تغییر جایگاه ژئوپولیتیک ایران که متأثر از توافق‌نامه برجام باشد به طور ویژه از سلاح نفت علیه ایران استفاده کنند؟ سیمون هندرسون^۲ در مقاله نفت که موضوع آن؛ اسلام و تأثیر برجام بر اقدامات عربستان در مقابل ایران است، می‌نویسد: «با ناامید شدن عربستان از توافق هسته‌ای و احساس اینکه ایران در حال به چالش کشیدن نقش رهبری عربستان در جهان اسلام است، به نظر می‌رسد ریاض برای افزایش فشار دو جانبه به ایران، از طریق تولید نفت و تحریکات فرقه‌ای و دیگر تاکتیک‌ها آماده شده است. هندرسون در این مقاله معتقد است در طول جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه و درگیری‌های لفظی در رسانه‌ها، عربستان سعودی از نفت خود به عنوان یک سلاح برای محدود کردن منافع اقتصادی ایران از برجام و برانگیختن خشم تهران استفاده می‌کند. به گونه‌ای که این نوع استراتژی باعث شده عربستان طی سال‌های اخیر با پایین نگه داشتن قیمت نفت فشار را بر ایران افزایش دهد» (Simon, Henderson 2016).^۳ در همین راستا مجله سیاست خارجی آمریکا در تأیید جنگ اقتصادی عربستان علیه ایران می‌نویسد: «عربستان ترجیح می‌دهد در مقابله با ایران در عرصه‌هایی که دارای قدرت ویژه است از جمله عرصه اوپک و نفت علیه آن اقدام کند. حتی اگر قیمت نفت در پایین‌ترین سطح خود قرار گیرد. همانطوری که قیمت پایین نفت در ۱۱ سال گذشته بی‌سابقه است و برخلاف این کاهش قیمت نفت، عربستان همچنان مصمم به افزایش تولید نفت اقدام کند. مجله مذکور در ادامه معتقد است ایران با مشکلاتی همچون تورم و بیکاری ۱۶/۲ و ۱۰/۴ درصد مواجه است که موضوع افزایش تولید منجر به کاهش قیمت نفت مشکلات ایران را به طور مضاعف

۱. ویتی، تاریخ انتشار ۱۳۹۳، <http://www.irdiplomacy.ir>

2. Simon Henderson

۳. هندرسون، ۱۳۹۵/۴/۲۵، <http://www.washingtoninstitute.org>

افزایش داده است. این مجله می‌افزاید: عربستان سعودی به دلیل نگرانی از نقش رو به رشد ایران در منطقه از سلاح اقتصادی استفاده می‌کند. همان‌گونه که این نوع رفتار و کنش، در رابطه با اقتصاد سیاسی بین ایران و کشورهای خلیج فارس نیز مورد توجه عربستان بوده است. همچنین عربستان در جنگ اقتصادی علیه ایران پروازهای هوایی و روابط تجاری خود را با ایران متوقف کرده است. کمپین تحریم کالاهای ایرانی در عربستان تشکیل شده است. بویژه کالاهای مصرفی، بسیاری از تجار و فروشندگان اقدام به حذف کالاهای ایرانی از قفسه‌های موجود در فروشگاه‌ها کرده‌اند. کشورهای دیگر عرب همپای عربستان نیز در کشورهای خود همین کار را کرده‌اند. علاوه بر این‌ها عربستان به همراه سایر کشورهای اقماری خود در شورای همکاری خلیج فارس و در قالب یک بلوک عربی در برابر افراط‌گرایی ایران و دخالت آن کشور در امور کشورهای عربی ایستاده‌اند و آن‌ها از نفت به عنوان یک سلاح کارآمد به ایران و برنامه‌های آن کشور فشار می‌آورند» (Simon, Henderson 2016).^۱ از جهت دیگر بر اساس نظر «سوزان مالونی» کارشناس اقتصاد ایران در اندیش‌کده ربو کینگز، کاهش بهای نفت و استفاده از آن به عنوان یک سلاح با منافع ژئوپولیتیک عربستان بویژه در راستای تضعیف دشمنان اصلی‌اش مانند ایران و روسیه منطبق است. وی در ادامه می‌نویسد: «تهران در اثر کاهش بهای نفت تحت فشار است. او یادآوری می‌کند کاهش بهای نفت دولت روحانی را وادار کرد که ارقام بودجه‌ای خود را که بر اساس نرخ ۷۲ دلار به ازای هر بشکه نفت تنظیم کرده بود، به ازای هر بشکه نفت بر مبنای ۴۰ دلار اصلاح کند».^۲ بعلاوه این که یافته‌های به دست آمده از گزارش راهبردی اندیشکده آمریکایی پیش‌بینی می‌کند «کاهش قیمت نفت» برای اقتصاد ایران مایه دردسر خواهد بود، افزایش حجم صادرات را کند می‌کند، دولت جدید را مجبور می‌کند از هزینه طرح‌های خود بکاهد، از ارزش ریال کاسته می‌شود و بنابراین دولت برای جبران کسری درآمد باید درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد. با توجه به «کاهش ۶۰ درصدی» قیمت نفت، ارزشمندترین کالای ایران که حجم وسیعی از صادرات و عایدات این کشور را تشکیل می‌دهد، برخی کشورهای ۵+۱ حین مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای ایران امیدوار بودند این شوک وارد شده به جمهوری اسلامی ایران «فشار اقتصادی موثری» را برای چانه‌زنی و گرفتن امتیاز بیشتر از ایران به آن کشور وارد آورد (Simon, Henderson 2016). برخی نویسندگان این‌گونه اقدامات عربستان را در مسیر یک کنش‌گر

۱. گروه اقتصادی، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۳/۲۳، <http://rawabetcenter.com>

۲. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۹۵/۸/۱۱، <http://www.eshraf.ir>

توسعه طلب ارزیابی کرده و معتقدند: «حال و هوای کنونی خاورمیانه از بسیاری جهات بی‌سابقه است. واقعیت انکار ناشدنی این است که گسل‌های هویتی در منطقه سخت فعال شده است و در سایه آن، شماری از کشورهای منطقه از حاشیه‌نشینی و انفعال در سیاست خارجی دست کشیده و به کنش‌گری توسعه‌طلبانه روآورده‌اند که عربستان در این زمینه جایگاهی ویژه دارد (دهشیار، ۱۳۹۴: ۳۱). همان چیزی که «لیک و مورگان» از آن به عنوان سیاست جهانی قدرت‌های بزرگ با بازی متقابل و پیچیده میان عوامل منطقه‌ای از آن یاد می‌کنند (محمدیان، ۱۳۹۵: ۵۲).

برجام عامل تسریع‌کننده کنش‌های اقتصادی عربستان در محدودسازی منافع ج.ا. ایران

سوالی که مطرح می‌شود این است که برجام به چه میزانی در افزایش کنش‌های اقتصادی عربستان به منظور مقابله با تغییر احتمالی جایگاه ایران حین مذاکرات و بعد از توافق‌نامه تأثیر داشته است؟ باید به مواردی که در این رابطه از نگاه تحلیلگران نفتی و اقتصادی بیان شده دقت داشت. در همین رابطه مقاله «نفت و اسلام: سیاست عربستان بعد از برجام» به صراحت اعلام می‌دارد «عربستان از نفت، به عنوان یک سلاح برای محدود کردن منافع اقتصادی ایران، که قرار است از قبل اجرای برجام (JCPOA) به دست آید استفاده می‌کند و بنابر همین اصل عربستان طی سالیان گذشته در موارد مختلفی با افزایش تولید نفت و صادرات آن، قیمت نفت را به زیر ۳۵ دلار رسانده، ضمن این‌که نهایی شدن برجام بر شدت اختلافات بین عربستان و ایران و حتی فراتر از این‌ها در مناطقی که به صورت نیابتی از طرف ایران و عربستان صورت گرفت افزوده است»^۱. در همین رابطه، مقاله «عربستان-ایران و مدل بایکوت» به نحوی دیگر مؤید استفاده عربستان از سلاح نفت علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. این مقاله معتقد است: «امروزه در منازعات بین‌المللی کمتر از ابزارهای نظامی در جهت دست‌یابی به اهداف سیاسی استفاده می‌شود. اما استفاده از سلاح اقتصادی به گونه‌ای مخرب‌تر در رویارویی‌های کشورها استفاده می‌گردد. زیرا سلاح اقتصادی یک سلاح مؤثر است. کارشناسان معتقدند تحریم و استفاده از سلاح اقتصادی را در مورد مبادلات تجاری و پیشگیری از واردات و صادرات و فریز کردن روابط اقتصادی یک کشور از طریق اعمال فشار بر روی کشور هدف برای رسیدن به منویات مورد نظر استفاده می‌شود که مدل ایران و عربستان یکی از آن مدل‌ها است. تنش‌های سیاسی و

۱. هندرسون، ۲۵/۴/۱۳۹۵، <http://www.washingtoninstitute.org>

دیپلماتیک میان ایران و عربستان و تأثیر آن بر روابط این دو کشور در چارچوب کنش‌ها و سلاح‌های سیاسی قرار دارد. اما راه حل دیگر، استفاده از سلاح اقتصادی است که در این بازی دو طرف ایران و عربستان در صدد تنبیه همدیگر از طریق اقدامات اقتصادی هستند. جنگی که عربستان سعودی از طریق استفاده از سلاح نفت علیه ایران در اوپک برای جلوگیری از افزایش نفوذ و کسب پرستیژ ناشی از توافق‌نامه هسته‌ای به کار گرفت. با توجه به فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها علیه ایران و کاهش ذخایر ارزی آن کشور، موجب شد به صورت جدی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. اما ایران در حال حاضر قصد دارد با افزایش تولید نفت و صادرات این ماده مهم در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر این مشکلات فائق آید و بتواند با عربستان مقابله کند.^۱ تاریخ گذشته نیز موید این موضوع است که استفاده از سلاح نفت برای اولین بار در اکتبر سال ۱۹۷۳ از طرف کشورهای عربی علیه غرب در جنگ موسوم به «رمضان» به کار گرفته شد. به نحوی که استفاده از این حربه باعث شد قیمت نفت از ۳/۱۱، به ۵/۱۱۹ دلار در هر بشکه برسد. در واقع این نخستین بار بود کشورهای عرب از نفت به عنوان «سلاح» غرب را مورد تهدید قرار دادند. یک سال بعد از شک نفتی اعراب علیه غرب، اعراب برای دومین بار در ژانویه سال ۱۹۷۴ از سلاح نفت علیه کشورهای مذکور استفاده می‌کنند که این بار قیمت نفت به میزان ۱۱/۵۶ دلار در هر بشکه می‌رسد (فوییه، ۱۳۶۷: ۱۶۴). لذا به خوبی دیده می‌شود که استفاده از سلاح نفت علیه کشور هدف همواره در طول تاریخ نفت وجود داشته است. بنابراین نقش سلاح نفت و تحریم آن‌چنان در روابط کشورها مهم ارزیابی می‌شود که «رابرت میسون»^۲ در تحلیل خود سیاست‌های نفتی، از جمله تولید نفت، قیمت‌گذاری و امنیت عرضه و تقاضا، عوامل مهم اثرگذار در روابط و رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان تلقی می‌کند (میسون، ۲۰۱۴: ۳۷). به هر حال به نظر می‌رسد عربستان با استفاده از سلاح نفت در مقابله با بازخوردهای ناشی از مذاکرات هسته‌ای، تغییر جایگاه منطقه‌ای ایران، اقدام به افزایش تولید نفت و عرضه آن به بازارهای بین‌المللی کرده است. همان‌گونه که میانگین تولید نفت سالانه کشور مذکور در فاصله سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۳ که در نمودارها نشان داده شده، می‌تواند موید رفتار هدفمند عربستان در مقابله با ایران باشد. نمودارهای معنی‌داری که در مجموع یرخلاف فراز و فرودهای مختلف برآیند. آنها سیر رو به رشد تولید نفت عربستان در خلال ماه‌های آوریل ۲۰۱۳ تا پایان نوامبر ۲۰۱۶ را حکایت می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد ادامه افزایش تولید نفت خام عربستان در سال‌های مذکور این چشم‌انداز را بیشتر

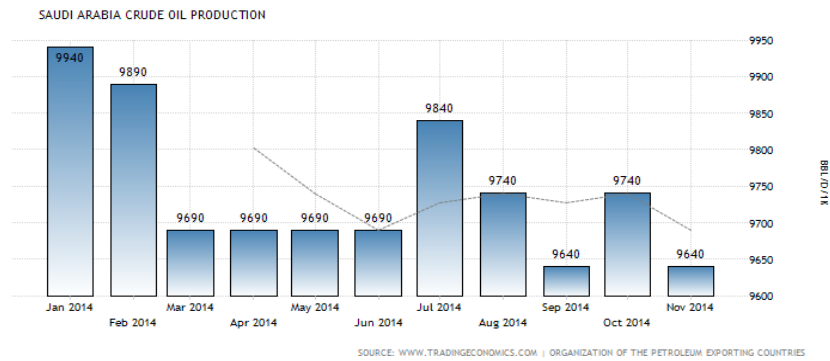
۱. گروه اقتصادی، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۳/۲۳، <http://rawabetcenter.com>

2. Robert Mason

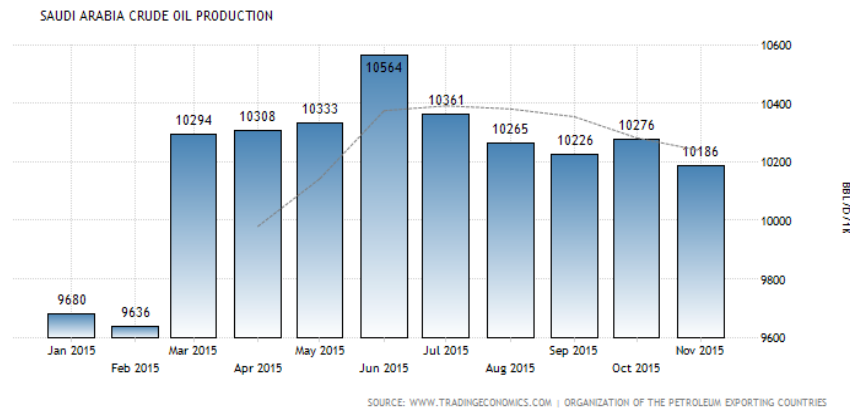
تقویت می‌کند که عربستان هدفی خاص را دنبال می‌کند.



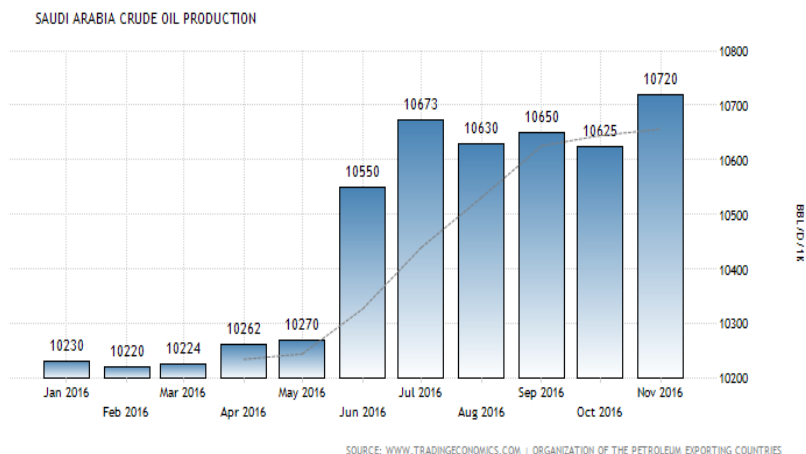
شکل ۱: نمودار تولید نفت عربستان در سال ۲۰۱۳



شکل ۲: نمودار تولید نفت عربستان در سال ۲۰۱۴



شکل ۳: نمودار تولید نفت عربستان در سال ۲۰۱۵



شکل ۴: نمودار تولید نفت عربستان در سال ۲۰۱۶

افزایش یا کاهش تولید نفت، عربستان در دو راهی تردید

اما واقعیت این است «عربستان با توجه به قیمت‌های پایین نفت، با رکود کسری بودجه ۹۸ میلیاردی مواجه گشته و در عین حال ذخایر خارجی که بانک مرکزی را سرپا گذاشته نیز رو به کاهش گذاشته، لذا عربستان در مواجهه با این وضع مجبور شد در راستای سیاست ریاضتی تاکنون ۱۷/۵ هفده و نیم میلیارد دلار فروش قرضه اوراق بین‌المللی داشته باشد. کاهش حقوق و دستمزد کارکنان، افزایش قیمت گاز و کاهش یارانه‌ها را در دستور کار قرار داده است.^۱ «بانک‌ها نیز احساس تنگنا کرده، به شکلی که سپرده ماه می به ۳/۴ درصد افت کرده و این رقم بزرگترین کاهش در طول ۲۲ سال گذشته را نشان می‌دهد علاوه بر این موارد جنگ با کشور یمن یکی از دلایل بحران اقتصادی عربستان و افزایش میلیاردها دلار بدهی‌های بین‌المللی و کسری بودجه آن کشور است.^۲ با توجه به جمیع موضوعات مطروحه مرتبط با کنش‌های اقتصادی عربستان در افزایش تولید منجر به کاهش قیمت نفت نتیجه‌ای که حاصل شده این است که: «کاهش قیمت نفت برای آل سعود نیز زیان‌بار بوده است. ریاض می‌بایست ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌هایش را برای جبران کسری بودجه کنونی‌اش به فروش برساند به همین خاطر موسسه «استاندارد ند پورز» رتبه اعتباری این کشور را به «آ منفی» کاهش داده است. بنابراین برخلاف این زیان وارد شده،

1. Gablinger, <https://www.forbes.com>

۲. کرر، تاریخ انتشار ۱۳۹۴، <https://www.Ft.com>

کشور مذکور با تولید ناخالص داخلی حدود ۷۵۰ میلیارد دلاری و دیگر ذخایر همچون «صندوق ثروت‌های حاکمیتی» به ارزش حدود ۷۰۰ میلیارد دلار و صندوق بازنشستگی‌اش که از سرمایه‌گذاری خارجی حدود ۷۰ میلیارد دلاری بهره می‌برد؛ می‌تواند فشار گسترده‌ای را علیه هر فردی که انجام سرمایه‌گذاری در ایران را ارزیابی می‌کند وارد کند.^۱ در مجموع با توجه به نوسانات میزان تولید نفت عربستان و قیمت این فرآورده مهم، سوال این است که چگونه عربستان این نوسانات، تولید معطوف به کاهش قیمت نفت را توجیه می‌کند؟ «در حالی که بنا بر آمار منتشره، ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی، ۹۰ درصد از درآمدهای حاصل از صادرات آن کشور مبتنی بر بخش نفت است و تحولات بازارهای جهانی می‌تواند به راحتی به این کشور آسیب وارد کند. در پی کاهش شدید قیمت نفت، که حاصل بازخورد افزایش تولید نفت و عرضه آن توسط تولیدکنندگان نفت و بالاخص عربستان سعودی به خریداران جهانی است. رشد اقتصادی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵ به ۳/۴ درصد کاهش یافت. همین گزارش نشان می‌دهد که این رشد در سال ۲۰۱۶ به ۱/۱ درصد رسیده که به شدت این رشد پایین آمده. بخش‌های غیر نفتی در عربستان ۳/۶ درصد در شرایط واقعی در سال ۲۰۱۵ رشد کرده و برای سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رشد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی نیز بیشتر کاهش پیدا کرده. همچنین کاهش قیمت نفت، منجر به ضعت مالی دولت عربستان گردید. به گونه‌ای که درآمد دولت در سال ۲۰۱۵ به میزان ۴۲ درصد کاهش و در عین حال کسری بودجه آن کشور در همین سال به میزان ۱۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. عربستان برای مقابله با این مشکلات می‌خواهد از طریق سیاست اقتصادی افزایش مالیات بر ارزش افزوده اقدام کند و به همین منظور است که آن کشور در ماه آوریل ۲۰۱۵ طرح بلند پروازانه‌ای برای هدایت اقتصادی تا سال ۲۰۳۰ را ارائه می‌دهد. این طرح تأکید می‌کند که عربستان سعودی می‌خواهد سهم خود را از صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی غیرنفتی از میزان ۱۶ درصد به ۵۰ درصد سال ۲۰۳۰ برساند. اما به زعم نویسنده، چگونگی رسیدن به این هدف اهمیت دارد».^۲

عربستان و تداوم سیاست‌های تهاجمی اقتصادی علیه ایران

بررسی‌ها نشان داد عربستان با توجه به افزایش تولید نفت و در نتیجه کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، متحمل خسارات فراوانی می‌شود. اما چرا آن کشور روند افزایش تولید را

۱. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۹۵/۳/۸، www.eshraf.ir

2. Marcel. <https://economics.rabobank.com>

همچنان در دستور کار دارد؟ بخشی از پاسخ به این سوال را باید در مقاله «چرا عربستان شمشیر را از روی علیه ایران بسته است» رصد کرد. این مقاله می‌نویسد: «شواهد نشان می‌دهد عربستان از آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی و هم‌زمان با روی کار آمدن ملک سلمان سیاست افزایش تنش علیه جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کند. در حال حاضر سعودی‌ها از تمامی ابزارها و امکانات خود برای تضعیف قدرت ایران در جهان اسلام استفاده می‌کنند و در تلاش هستند ایران را در سوریه، یمن و عراق به چالش بکشاند. هدف اصلی عربستان بیشتر بر روی محدود ساختن فرصت‌های تهران برای دستیابی به موفقیت‌های بعد از برجام متمرکز گشته است تا به این صورت و از طریق اعمال استراتژی کنونی و ستیزه‌جویانه سعودی‌ها با پایین آوردن قیمت نفت به هدف خود دست یابند.»^۱ «تحلیلگران بخش دیگر از دلایل افزایش تولید نفت عربستان را به شکست تلاش‌های سعودی‌ها برای به سرانجام نرسیدن مذاکرات هسته‌ای تلقی می‌کنند. عربستان تصمیم گرفته، ایران را به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای، یعنی حمایت از بشار اسد، حوثی‌ها در یمن و منفعل شدن در عراق وادار سازد. به این منظور عربستان مجموعه‌ای از سیاست‌ها از قبیل ایجاد فشار بین‌المللی، منزوی کردن ایران در جهان اسلام، جنگ نیابتی در سوریه و یمن و حداکثر فشار از طریق پایین آوردن قیمت نفت به کار گرفته است.»^۲

در تحلیل عملکرد سیاست‌های اقتصادی عربستان و مقایسه آن با نظرات «توماس شلینگ، می‌بینیم عربستان برای جلوگیری از موفقیت‌های ایران، با تکیه بر «بازی غیرعقلانی و هیجانی» درصدد دستیابی به منافع موردنظر بوده که حاصل این نوع کنش موجب ایجاد اشکالات عدیده اقتصادی برای هر دو کشور ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم منطقه در بحث مربوط به قیمت نفت خام گردید که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اقتصادی در ایران و عربستان و همچنین سایر کشورهای تولیدکننده نفت در اوپک شد. شلینگ معتقد است طرف‌های یک فرآیند چانه‌زنی تنها تحت انگیزش نیاز به حصول توافق قرار ندارند. بلکه منافع واگرا هستند که جستجوی هم‌گرایی را پیچیده می‌سازد (بزرگی و طیب، ۱۳۷۲: ۸۰۱). اکنون درمی‌یابیم افزایش تولید نفت عربستان، علاوه بر کاهش شدید قیمت نفت بر ایران، کشور عربستان را نیز تحت تأثیر شدید خود قرار داده، به نحوی که فاینشال تایمز در مطلبی با عنوان: «پایین بودن قیمت نفت و تحت شعاع قرار دادن عربستان» «آثار کاهش قیمت‌های نفت بر عربستان به عنوان یک تراژدی بر آن کشور حاکم است.

۱. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۹۵/۸/۱۱، <http://www.eshraf.ir>

۲. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۹۵/۸/۱۱، <http://www.eshraf.ir>

هزینه‌های مصرف‌کنندگان عربستانی به شدت کاهش پیدا کرده است. مشکلات اقتصادی ضربه سختی به خصوص در بخش ساخت‌وساز و نیازمندی‌های مصرف‌کنندگان وارد کرده است. رشد توسعه در مدت سقوط قیمت‌ها طی سال‌های گذشته ضعیف‌ترین سرعت و زیر دو درصد بوده است. هتل‌ها و رستوران‌ها و بخش‌های تجاری بدترین دوران خود را طی کرده‌اند. و قراردادهای آن‌ها زیر هشت درصد در دوران سه ماه اول سال ۲۰۱۵ بوده‌اند. از نظر جیسون این رشد بسیار کم و به نقطه پایدارتری باید برسد. لذا ریاض با کاهش ۳۰ درصد مخارج دولت به سقوط قیمت‌های نفت واکنش نشان داده است. بانک‌ها نیز احساس تنگنا کرده، به شکلی که سپرده ماه می به ۳/۴ درصد افت کرده و این رقم بزرگ‌ترین کاهش در طول ۲۲ سال گذشته را نشان می‌دهد.^۱ درحالی این به هم‌ریختگی و آشفتگی اقتصادی در عربستان به وجود آمده که شاهزاده سلمان در مورد چشم‌انداز کشور عربستان به اقتصاد آن کشور، گفته است «هدف عربستان ایجاد یک اقتصاد پر رونق و پایان دان وابستگی آن کشور به درآمدهای نفتی تا سال ۲۰۲۰ است».^۲ به نظر می‌رسد افزایش تولید نفت در تناقض با برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در عربستان قرار گرفته باشد. زیرا اصلاحات مورد نظر در یک اقتصاد کلان باید بر اساس محاسبات دقیق و در پیوند با اقتصاد جهانی و با در نظر گرفتن محذورات و مقدورات آن کشور صورت بگیرد. عربستان می‌داند افزایش تولید نفت در این برهه از زمان به شدت قیمت نفت را کاهش می‌دهد پس چه دلیلی می‌تواند آن کشور باز هم روند افزایش تولید نفت را در پیش بگیرد و همچنان یک‌جانبه و بدون توجه به مصالح کشورهای اوپک به وفور نفت را به بازارهای جهانی عرضه کند. لذا در دست‌یابی به چرایی اقدام عربستان در افزایش تولید نفت، همان‌گونه که در بحث استفاده عربستان از نفت به عنوان سلاح در بایکوت جمهوری اسلامی ایران اشاره گردید، «به گواه تاریخ، نفت از دهه ۱۹۶۰ به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماتیک اصلی عربستان سعودی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی آن تبدیل شده، زیرا اولویت اصلی سیاست‌های خارجی پادشاهی عربستان به شدت متأثر از نفت است (صفوی، ۱۳۹۴: ۲۷۰). مزید بر اینها همان‌گونه که «ادوارد کریپلز» تحلیلگر مسائل نفتی می‌گوید نقش امریکایی‌ها در کنش‌های نفتی عربستان مهم است. او می‌گوید: «امریکا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و عربستان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت هستند. این خیلی ساده‌لوحی است اگر گفته شود ما با سعودی‌ها درباره قیمت نفت مذاکره نمی‌کنیم. اگر با آن‌ها درباره قیمت نفت صحبت نکنیم پس درباره چه صحبت کنیم؟»

۱. کرر، تاریخ انتشار ۱۳۹۴، <https://www.Ft.com>

۲. گروه سیاسی، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۴/۲۴، <https://www.Broking.edu>

«ریچارد مورفی» سفیر پیشین آمریکا در عربستان معتقد است: «ما علاقه‌مند به قیمت‌های پایین بودیم. سعودی‌ها هم به خاطر منافع بلندمدت خودشان طرفدار بهای ارزان نفت بودند (همايون، ۱۳۹۳: ۶۸). از منظر تئوریک «توماس شیلینگ» معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مصاف باهمدیگر، اگر رفتاری عقلانی و بر پایه چانه‌زنی منطقی داشته باشند باید بازی را با حاصل جمع جبری صفر در دستور کار قرار دهند تا برد هر دو بازیگر در پی داشته باشد. اما بازی عربستان نه تنها حاصل جمع جبری صفر نبوده بلکه به دلیل رفتار هیجانی و غیرعقلانی، برای هر دو بازیگر منطقه‌ای چیزی جز باخت در پی نداشته است. پس می‌توان نتیجه گرفت سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای عربستان نشان‌دهنده افزایش هزینه‌های عربستان، به منظور دستیابی به هدفی غیر از مهار ایران نخواهد بود. عربستان با استفاده از ذخایر عظیم پولی خود در صدد است با کاهش قیمت نفت که خود نیز متضرر خواهد بود اقتصاد ایران را که متأثر از درآمدهای نفتی است هدف قرار داده، تا به این صورت بتواند به هدف اصلی، یعنی مهار قدرت فزاینده ایران در منطقه دست یابد. لذا از نظر عربستان وقتی همچون هدفی برآورده شود عربستان در بحث مهار ایران از طریق افزایش تولید و به تبع آن پایین آوردن قیمت نفت، ضررهای ناشی از افت قیمت نفت برای عربستان در قبال ضربه به ایران بسیار کم ارزیابی خواهد شد.

عربستان و اتخاذ استراتژی توافق بر سر کاهش تولید نفت

اعضای اوپک بعد از یک دوره شک و تردید با کاهش تولید نفت موافقت کردند. به نظر نویسندگانی همچون نایلا رزوک و آنجیلین راسکویت^۱ «در ابتدا اختلافات ایران و عربستان و عراق باعث افزایش تولید نفت در سال ۲۰۱۴ گردید. در نهایت پس از کش و قوس‌های فراوان و وارد شدن خسارات و زیان‌های سنگین بر اعضای اوپک، توافق اوپک بر سر کاهش تولید نفت این تراژدی را تا حدودی پایان داد. فراتر از اعضای اوپک، چشمگیرترین همکاری برای کاهش در توافق بی‌سابقه روسیه برای کاهش تولید دیده می‌شود. به گونه‌ای که تأثیر این توافق بر بازارهای جهانی فوری بود. به نحوی که قیمت نفت معیار در نیویورک به اندازه ۱۰ درصد افزایش یافت تحلیلگران متخصص در امور نفتی معتقدند در این اتفاقاتی که منجر به کاهش تولید نفت شد. ایران تنها کشوری است که مجاز به افزایش ۹۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت در روز شده که این موجب گردیده ایران نفت خود را تا سقف ۳/۸ سه میلیون و هشتصد هزار بشکه برساند. در حقیقت این

توافقنامه علاوه بر این که یک پیروزی برای ایران محسوب می‌شود. در عین حال یک بازگشت به عقب برای عربستان در عرصه سیاست‌های نفتی محسوب می‌گردد که تولید نفت را در پایان سال ۲۰۱۶ به رکورد ده میلیون و پانصد و چهل و چهار بشکه در روز رسانده بود، با کاهش چهار صد و هشتاد و شش هزار بشکه، تولید مذکور را به ده میلیون و پنجاه و هشت هزار بشکه می‌رساند تحلیلگران نفتی بر این عقیده‌اند «عربستان در این توافق متوجه شده است که واقع‌گرایی بویژه در عرصه‌های مربوط به بازار نفت بهترین گزینه انتخابی خواهد بود مهمتر اینکه عربستان احتمالاً به این نتیجه رسیده که در استراتژی قبلی خود یعنی (استراتژی افزایش تولید) بسیار زیان و خسارت دیده است، تا جایی که حتی حاضر شده با رقیب دیرینه خود یعنی ایران اجازه افزایش تولید ۹۰ هزار بشکه در روز را بدهد»^۱ و واقعیت این است با توجه به نظریه توماس شلینگ اگر بازیگران بر بازی با حاصل جمع جبری غیر صفر توجه داشته باشند؛ این بازی می‌تواند بازیگران را به سود متناسب برساند و از زیان برهاند. زیرا اگر اقدام اولیه عربستان طی سال‌های اخیر که منجر به افزایش تولید نفت و در نتیجه کاهش قیمت این فراورده جهانی گردید. ابتدای امر و حتی بیش از همه این عربستان بود که از این معامله مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر - صفر ضرر را متحمل شد.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای عربستان و همراه کردن کشورهای عضو شورای همکاری، نشان دهنده افزایش هزینه‌های عربستان، به منظور دست‌یابی به هدفی غیر از مهار ایران نخواهد بود. به خاطر اینکه عربستان با استفاده از ذخایر عظیم پولی خود در صدد است با کاهش قیمت نفت که خود نیز متضرر خواهد بود اقتصاد ایران را که متأثر از درآمدهای نفتی است هدف قرار داده، تا به این صورت بتواند به هدف اصلی، یعنی مهار قدرت فزاینده ایران در منطقه دست یابد. لذا از نظر عربستان وقتی همچون هدفی برآورده شود عربستان در بحث مهار ایران از طریق افزایش تولید و به تبع آن پایین آوردن قیمت نفت، ضررهای ناشی از افت قیمت نفت برای عربستان در قبال ضربه به ایران بسیار کم ارزیابی خواهد شد و این یعنی پیروزی عربستان در مصاف با قدرت فزاینده ایران اما عربستان چون با سلاح نفت خودش نیز بیشتر متضرر می‌شود به خاطر اینکه این کشور فقط با صادرات نفت پا برجاست به ناچار پشت میز مذاکره در مورد افزایش قیمت نفت با سران و کشورهای منطقه نشست.

۱. گروه اقتصادی، تاریخ نشر ۱۳۹۵/۴/۲۰، <http://www.bloomberg.Com>

منابع

الف - فارسی

- صفوی، سید حمزه، (۱۳۹۴)، *عربستان، مجموعه کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حاج یوسفی، امیر محمد و سلطانی نژاد، احمد، (۱۳۸۷)، *سازمان سیاسی در عراق جدید*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شکویی، حسین، (۱۳۶۴)، *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه»، *مجله دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۷)، *ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس*، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، تهران: انتشارات شادان.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- فوییه، کلود، (۱۳۶۷)، *نظام آل سعود*، ترجمه نورالدین شیرازی، تهران: انتشارات فرا اندیش.
- سبحانی فر، محمد جواد، (۱۳۸۳)، «تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان»، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، قابل دسترسی در سایت www.Noormags.ir.
- «تدابیر دولت در مواجهه با عربستان چیست؟ / از تعامل و لبخند تا تهدید و توطئه، پایگاه خبری تحلیلی فردا»، *Farda News*، بازبینی شده در ۰۵/۰۶/۲۰۱۵.
- همایون، بهمن، (۱۳۹۳)، «روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان، اسلحه - نفت - عراق و ایران»، *مجله سیاسی - اقتصادی*، شماره‌های ۷۱-۷۲.
- «سلاطین نفتی و ژئوپلیتیک سقوط قیمت نفت»، *زمان دسترسی ۱۳۹۵/۹/۱۸*، www.Eshraf.Ir.
- «تأثیر ژئوپلیتیکی قیمت پایین نفت بر روسیه، ایران و عربستان»، *زمان دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۲۳*، www.Eshraf.Ir.
- «رشد اقتصاد ایران علی‌رغم قیمت پایین نفت و تحریم‌های کنونی»، *زمان دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۷*، www.Eshraf.Ir.

- «ایران هدف اصلی عربستان در سال ۲۰۱۵»، زمان دسترسی ۱۳۹۵/۸/۱۹، [www. Eshraf. Ir](http://www.eshraf.ir).
- «سقوط قیمت نفت باعث تسلیم ایران یا نخواهد شد»، زمان دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۸
[http://www. eshraf. ir](http://www.eshraf.ir)
- «چرا عربستان شمشیر را علیه ایران از رو بسته است»، زمان دسترسی ۱۳۹۵/۹/۹، [www. Islamri. Com](http://www.Islamri.Com).
- «تصمیم فدرال رزرو بر اجرای سیاست پولی انقباضی»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در سایت، [http://tabyincenter. ir](http://tabyincenter.ir).
- ویتنی، مایک، (۱۳۹۳)، «توطئه نفتی آمریکا و عربستان سعودی»، گلوبال ریسرچ، مترجم، طلا تسلیمی، زمان دسترسی ۱۳۹۵/۸/۱۳، [http://www. Irdiplomacy. Ir](http://www.Irdiplomacy.Ir).
- محمدیان، محمد، (۱۳۹۵)، «ناهمخوانی‌ها در سیاست خارجی عربستان: چشم انداز جایگاه منطقه ای»، *اطلاعات و فصلنامه پژوهشی سیاسی-اقتصادی*، شماره ۳۰۳.
- دهشیار، حسین، (۱۳۹۴)، «عربستان: کنشگر توسعه طلب»، *اطلاعات و فصلنامه پژوهشی سیاسی-اقتصادی*، زمستان، شماره ۳۰۲.

ب- انگلیسی

- Marcel, Weernink, (2016), "Saudi Arabia: Rreforms are Necessary to Reduce Economic Reliance on Oil", [https://economics. rabobank. com](https://economics.rabobank.com).
- "Saudi Arabia Crude Oil Production", (2016), [http://www. Tradingeconomics. Com](http://www.Tradingeconomics.Com).
- Simeon Kerr, (2016), "Low oil price and austerity overshadow Eid in Saudi", [https://www. ft. com](https://www.ft.com).
- Simon, Henderson, (2016), "Oil and Islam: Saudi Policy Post-JCPOA", [http://www. washingtoninstitute. org](http://www.washingtoninstitute.org).
- Brad Plumer, (2016), "OPEC hashes out a major deal to cut oil production and Prices Surge", *Worldwide*, [http://www. Bloomberg. Com](http://www.Bloomberg.Com).
- Rawabet Research and Strategic Studies Center, (2016), "Economy: Weapon of Saudi Arabia in the face of Iran", [http://rawabetcenter. com](http://rawabetcenter.com).
- Mason, Robert, (2014), *Foreign Policy in Iran and Saudi Arabia: Economics and Diplomacy in the Middle East*, Puplhsher: I. B. Tauris. Series: Library of Modern Midleeast Studies.

- Caitlin Baalke, (2014), *A Political and Historic Analysis of the Relationship between the United States and Saudi Arabia: How the Relationship between the United States and Saudi Arabia has influenced U. S. Foreign.*
- Emma Borden and Suzanne Maloney, (2016), *The Political Implications of Transforming Saudi and Iranian oil Economies*, <https://www.Broking.edu>.
- “What Can Saudi Arabia Do As Oil Prices Collapse?”, (2016), <https://www.forbes.com>
- Rizwan. Muhammad, (2014), ”From Rivalry to Nowhere: A Story of Iran-Saudi Ties”, <http://www.iosrjournals.org/iosr-jhss/papers/Vol19-issue9/Version-4/P0199491101.pdf>
- G. Schwanitz Wolfgang, (2003),”Iran's Rivalry with Saudi Arabia a Story of Conflict between the Gulf Wars”, www.meforum.org.
- Geneive, Abdo, (2016), “Why Arab Countries Fear the Iran Deal”, website: <http://nationalinterest.org/feature/why-arab-countries-fear-the-iran-deal-12562>, Availability Date. 2016/08/15.

